

اصل پشتکار در انکشاف بشري

يك امر طبيعي است كه بعضي از مردم علاقه ندارند سخت كوشانه كار كنند. بلكه مي خواهند تا به راس امور برسند و ديگران را به كار بگمارند. مردم مي خواهند تا همه چيز ها به ايشان واگذار شود. بسياري فكر مي كنند كه دولت بايد زندگي را برايشان آسان تر سازد. اما داشتن پشتكار يكي از عالي ترين صفاتي است كه يك فرد بدان متصف بوده مي تواند. يكي از ضرب المثل ها چنين است كه " سخت كوشا باش تا رهبر شوي، تنبل باش و هرگز كامياب مشو ". اغلباً مردم فكر ميكنند كه يك رهبر مجبور نيست تا سخت كوشانه كار كند بلكه او ديگران را واميدارد سخت كوشانه كار كنند. ليكن يك رهبر خوب هميشه به كار خويش ادامه ميدهد. او كار ميكند تا آنچه را بسر رسانده حفظ نمايد، در غير آن آنچه را كه دارد از دست خواهد داد. پشتكار داشتن كاميابي را نصيب ما، مردم و جامعه ما مي سازد. اشخاص سخت كوشا و لايق در كار خواهان ثمرات با كيفيت و كميت مي باشند. آنها افراد با ارزش براي موسسه اي يا شركتي شمرده مي شوند.

پشتكار يك طرز تفكر بشمار مي رود

ضرب المثلي اشاره ميكند كه " سخت كوش باش تا رهبر شوي " راز اين حرف درين نهفته است كه فرد با پشتكار فكرش را روي يك مسأله متمرکز ساخته تا كارش را بسر رساند. پشتكار يعني طرز تفكر، يعني متعهد به كار بودن. در جستجوي فرصت براي كار بودن. فرد داراي پشتكار، تلاش دارد تا كاري بسر رساند. اين موضوع فراتر از حصول يك شغل آسان و پرسود است، چيزي كه همه خواهان آن مي باشند. مردم كار مي خواهند تا از آن چيزي حصول شان شود. گرچه آرزوي داشتن معاش خوب حق مسلم هر فرد است، اما سخت كوشي يك اصل كليدي در انكشاف فردي يا بشري بشمار ميرود.

پشتكار يعني به پايان رساندن كار:

شخص با پشتكار روي اين تمرکز دارد تا كار ها را به پايان رساند بدون پشتكار، شخص موفق به اتمام كاري نخواهد بود.

افراد با پشتكار فراتر از آنچه توقع مي رود، كار ميكنند:

در هنگام كار، فرد با پشتكار متوجه مي شود كه مسائلي ديگري هم هست كه بايد تمام شود. بدون اينكه از او توقع رفته باشد، او آن كار هاي ديگر را نيز به سر ميرساند. او فراتر از آنچه از او آرزو مي رود عمل مي كند. چونكه ميخواهد مثمر باشد. او همچنان هميشه مبتكر مي باشد. او نه تنها در تلاش بسر رساندن كار است بلكه مي خواهد كار را بهتر و زود تر انجام دهد. در يك محيط ايده آل شخص با پشتكار صاحب رشد شده و برايش مسووليت هاي بيشتري واگذار ميگردد. ثمره

طبیعی از پشتکاری همانا رهبری است. او رهبر می شود زیرا نمونه برای دیگران شده است تا آن را تعقیب نمایند. او با سخت کوشی اش رهبری میکند.

"اما این مسوولیت من نیست!"

پشتکار داشتن صفت و فضیلتی است که هر جامعه را سعادت مند می سازد. متأسفانه، بعضی اوقات محیط کاری باعث می شود تا اخلاق پشتکار داشتن رشد ننماید. افراد برای کار بیشتر از آنچه که از ایشان توقع می رود تشویق نمی شوند. بعضی فقط می گویند: "این مسوولیت من نیست پس آنرا انجام داده نمی توانم." در واقع، بعضی شغلها طوری ساخته شده که شخص می ترسد تا فراتر از نقش خودش کار کند. او می ترسد که دیگران فکر کنند که وی کدام کاسه زیر نیم کاسه دارد. پس، هیچ کسی جرئت نمی کند تا با پشتکار فعالیت نماید. این نوع رفتار، تنبلی را بار آورده و پشتکار را می کشد. این مسأله جامعه را از شگوفائی باز داشته و از مثمر بودن جامعه مانع می شود. یک شخص با پشتکار هرگز نمی گوید: که "این مسوولیت من نیست." بلکه او در تلاش است تا دیگران را کمک نماید او می خواهد مثمر باشد و مطمئن شود که کارها به اتمام میرسد. او می خواهد کاری بسر رساند و در زندگی شگوفا شود پس نمی گذارد تا کار و وظیفه اش او را محدود سازد.

کار افتخار است:

ما بایست کار را یک افتخار بشماریم. خداوند مردمرا همچو کارگر آفریده است. رسیدن به مقام بالا و رئیس شدن و امر دادن بر دیگران زندگی افراد را شرافتمند نمی سازد. بلکه یک فرد با پشتکار صاحب افتخار است. طور نمونه یک دکان را در بازار در نظر بگیرید. صاحب کار فقط نشسته است و روزنامه می خواند و هر چند گاهی بر کارمندان فریاد کشیده بالای شان امر میکند، اما خودش هرگز کار نمی کند. او دیگران را وادار به کار میکند. آیا چنین شخصی لیاقت صاحب کار شدن را دارد؟ اگر ما می خواهیم تا در زندگی انکشافی داشته باشیم باید سخت کوشی را ارزش بدهیم.

یکی دیگر از دارائی های جامعه "علاقه به کار" است. اکثراً وقتی یک فرد صاحب شغلی می شود از جستجو برای کار دیگر صرف نظر میکند. طور مثال فردی برای بدست آوردن شغلی مصاحبه یی دارد. در واقع او خویش را مشتاق و قادر به انجام آن شغل معرفی میکند. اما آنگاهی که وی صاحبان شغل می شود، فقط آنچه را که به او گفته شده بسر میرساند برای آنکه روزش بگذرد و بس. اما شخصی با پشتکار در جستجوی کار است و بیشتر از آنچه که برایش گفته شده انجام میدهد. او میکوشد تا آمرش را راضی سازد اگر آمرش حاضر باشد یا خیر.

کار دولت و موسسات غیر دولتی چگونه است؟

برنامه های دولت و سیستم های فواید عامه جای خود را دارد. اما وقتی مردم از دولت خواهان حمایت می شوند، خود بخود وابسته آن میشوند. سیستم های حمایتی برای کمک به مردم نیازمند کوتاه

برای مدت ساخته شده، که کار خوبیست. لیکن، زمانیکه مردم برای پیشبرد حیات شان وابسته دولت می شوند، مثریت و انکشاف از بین می رود.

در بسیاری از ممالک رو به انکشاف فرهنگ موسسات غیر دولتی رایج شده. هر فرد می خواهد تا با موسسات بین المللی غیر دولتی کار کند زیرا معاش بهتری خواهد داشت. در حالیکه این حق مسلم هر فرد است، اما نباید فراموش کرد که موسسات غیر دولتی برای همیشه حضور ندارند. وقتی مردم زندگی شانرا بر اساس موسسات غیر دولتی بنا میکنند در نهایت ایشان بی وظیفه می مانند. درست نیست تا اقتصاد خود را بر موسسات غیر دولتی بنا کرد. نیاز مبرم به انکشاف تجارت و صنعت محلی احساس می شود. این کار به اشخاص مبتکر و موسساتی (متشبت) نیاز دارد تا آغازش نمایند. یکی از صفات برجسته موسسان آنست که وی دارای پشتکار و عشق به کار دارد.

پشتکار ضامن آرامش است.

یکی از فواید پشتکار امنیت است. یک فرد سخت کوش در امنیت بسر می برد، زیرا وی به خدا توکل دارد و توانایی هایش را انکشاف داده است. او بر برنامه های دولت یا موسسات خارجی متکی نیست.

شخص با پشتکار یک شخص با تجربه می شود.

یکی از مفاد دیگر پشتکار، انکشاف توانایی های بشری در زندگی می باشد. چنانچه وی با سخت کوشی کار میکند او علاوه مسایل جدیدی را فرا میگیرد و صاحب تجربه بیشتر می شود. این تجارب جدید و توانایی های آموخته شده دارای هایش می شوند که او را برای انکشاف بیشتر کمک می نماید. کسیکه تنها به موقعیت و مقام گذشته خود متکی است هرگز در زندگی پیشرفت کرده نمی تواند.

فرد با پشتکار همیشه شادمان است.

یک فرد با پشتکار به شادمانی های شخصی دست میابد. زیرا وی به مقامی در زندگی دست یافته و احساس مکمل بودن به وی دست میدهد. در زندگی احساسی خوشایند تر از آمدن به خانه بعد از یک روز کار پیگیرانه وجود ندارد. شخص احساس می کند که او خودش ارزش دارد. در دوایر دولتی و موسسات، مردم جمع می شوند و از هر دری سخن می زنند. شاید کدام کاغذی را از یک میز به میز دیگر انداخته باشند اما پشتکاری به مشاهده نمی رسد. عده دیگر خسته می باشند و سر های پر خواب شان را روی میز میگذارند و روز شان را بخواب میگذرانند. نشستن روی چوکی و درانتظار ختم روز بودن، رضایتمندی فردی را بار نمی آورد و نه هم فرد را برای انکشاف بیشتر کمک میکند لیکن اگر شخصی خود را وقف کارش سازد، کارش هم در عوض برایش پاداشی خواهد داشت. پس او انکشاف میکند و در زندگی به شگوفائی میرسد.

آیا ما "نمکی" هستیم یا "بی مزه" ؟

در دنیای فیزیکی وسیله ای که کار نکند، یا ترمیم می شود یا آنسو انداخته می شود این قانون برای اشخاص جامعه نیز قابل تطبیق است. کسیکه کار نکند یا - کار را رد نماید - برکنار می شود. او مثل نمک می شود که مزه اش را از دست داده و به هیچ دردی نمی خورد و دور انداخته می شود. اهمیت و ارزش نمک در نمکی بودن آنست. ارزش یک ماشین در آنست که برای چه منظوری ساخته شده است. اگر شما ده هزار دالر برای خرید موتوری بپردازید و آن هم کار نکند، داشتن موتری بی فایده است. ارزش های بشری به عین شکل است، نه بر اساس سابقه فرد. بلکه ارزش یک فرد در بسر رسانیدن آنچه خداوند وی را برایش آفریده است. به هر اندازه که شخص کار میکند و مثمر می باشد، او ارزش خود را بر جامعه میبرد.

پشتکار یک فعالیت فکری و فیزیکی است:

سخت کوشی نه فقط به معنی درو کردن و بیل زدن می باشد. شخص شاید نیاز به استفاده از عضلات خود نداشته باشد بلکه ضرورت به استعمال عضلات مغز خود داشته باشد. کارمندان دفاتر در موسسات می توانند سخت کوشی نمایند تا تفکر را فرا گیرند، تا موثر شوند و تا مبتکر باشند و بکوشند تا فعالیت بیشتری برای موسسه یا شرکت خویش بسر رسانند.

پشتکار داشته باشید و شما فرد کارآمدی در جامعه می شوید.

اگر شخص پشتکار داشته باشد، از دیگران کارایی بیشتری نشان دهد، و آنچه را دیگران انجام نمی دهند انجام دهد، او برای جامعه اش کارآمد خواهد بود. او همچو نمک خوش طعم خواهد بود. شخص با پشتکار به رهبری میرسد زیرا وی نمونه بی برای دیگران میگردد.

اصل مقاله: شبکه تجارتي "لا رید" La Red (The Net) Business Network .
باز نویسی از دکتر آرلی لوین (موسسه انکشافی آسیای جنوبی _ CADA).
ترجمه از خدمات ترجمانی دقیق